

## بررسی تطبیقی انجیل برنابا و انجیل چهارگانه و ارزیابی آنها با قرآن (در زمینه نبوت)

فاطمه نیازکار\*

### چکیده

نبوت در بنی اسرائیل دارای دو نقش سخنگویی و پیشگویی است. این دو نقش برای حضرت مسیح در انجیل چهارگانه دیده می‌شود؛ اما نویسندگان این انجیل در بیان، نقشی فراتر از نبوت را برای وی در نظر گرفته‌اند که مقام الوهیت است. در انجیل برنابا، مقام عیسی مقام نبوت است و او فرزند خدا یا خدا بودن خود را انکار کرده، خود را بنده خدا می‌خواند و دیگران را به عبودیت الهی دعوت می‌کند. در این انجیل، علاوه بر اینکه از نبوت برخی از انبیای پیشین (آدم، ابراهیم و موسی) سخن آمده، بشارت ظهور پیامبر اسلام نیز آمده است که از این نظر با قرآن مطابقت دارد.

**واژگان کلیدی:** انجیل چهارگانه، انجیل برنابا، قرآن، نبوت.

Niazkar@yahoo.com

تاریخ تایید: ۱۳۸۸/۱۲/۲۰

\*. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام‌نور واحد خرامه فارس.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۱۰

### طرح مسأله

خداوند پیامبران را حاملان وحی الاهی به سوی مردم قرار داد، تا حجت را بر آنها تمام کنند و پس از آن در درگاه الاهی عذری نداشته باشند. (نساء / ۱۶۵) خداوند در قرآن، دین را از آدم تا خاتم، یک جریان پیوسته معرفی می‌کند و یک نام بر آن می‌گذارد و آن اسلام است. (آل عمران / ۱۹)

پیامبران الاهی همیشه مؤید و مصدق یکدیگر بوده و هرگز یکدیگر را نفی نکرده‌اند. بعضی از این پیامبران، صاحب کتاب و شریعت بوده‌اند: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا». (احزاب / ۷) طبق این آیه، حضرت عیسی یکی از پیامبران صاحب شریعت است و آنچه خداوند به وی دستور داده، در انجیل ثبت شده است: «وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَتُورٌ». (مائده / ۴۶)

از آنجا که حضرت عیسی نسبت به سایر انبیا، ویژگی‌های خاصی دارد، از جمله: بدون پدر و از مادری باکره متولد شده است: «إِذْ قَالَتُ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران / ۴۵) در گهواره سخن گفت: «وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران / ۴۶) یا قدرت اعجاز فوق‌العاده‌ای داشت: «أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ». (آل عمران / ۴۹) این خصوصیات چه در زمان خود و چه پس از او باعث شد پیروانش درباره او توهم الوهیت کنند.

از سوی دیگر، نویسندگان اناجیل به مرور زمان، دست به تحریف انجیل واقعی بردند؛ به طوری که در حال حاضر، اناجیل موجود حاوی پیام الاهی نیستند و صرفاً به شرح زندگی مسیح و بیان سخنان او و بعضی عقاید باطل، از جمله الوهیت مسیح پرداخته‌اند. این عقاید باطل، سبب ایجاد اختلافاتی در بین مسیحیت و سایر ادیان به خصوص اسلام شد که قرآن عامل این اختلاف میان ادیان را علمای دین می‌دانند. (شوری / ۱۴؛ توبه / ۳۱) به همین جهت، حقیقت امر بر پیروان آنها مشتبه شد و راه حق را گم کرده، به شرک کشیده شده‌اند. گروهی از ناقدان همچون دیوید فردریک اشتراوس در کتاب *زندگی عیسی* (۱۸۳۵م) ارنست رنان در کتابی به همان نام (۱۸۶۳م) و آلبرات شوایتزر در کتاب *در جستجوی عیسی تاریخی* (۱۹۰۶م) معتقدند: نویسندگان اناجیل برحسب ایمان و علاقه خویش، در شرح حال عیسی دستکاری‌هایی کرده‌اند و بر وقایع زندگی این شخصیت تاریخی افزوده‌اند. از این رو انگیزه اصلی ما در این پژوهش، رفع اختلافات و ابهامات بین مسیحیت و اسلام در زمینه نبوت و بیان چهره واقعی مسیح به عنوان یک نبی و پیامبر الاهی است. این پژوهش بر اساس دو روش گردآوری و تطبیق و تحلیل انجام شده است. در ابتدا تمام مطالب موجود در زمینه نبوت از اناجیل چهارگانه و انجیل برنابا و قرآن گردآوری شده و پس از آن، هر بخش با بخش دیگر تحلیل و تطبیق شده است.

### اناجیل رسمی و غیر رسمی

کلمه انجیل از اوانگلیون<sup>۱</sup> یونانی گرفته شده و به معنای مژده و بشارت است. (مشکور، ۱۳۶۲: ۱۶۸) مقصود از این مژده، مژده آمدن مسیح است. به طور کلی، اناجیل به دو بخش تقسیم می‌شوند: اناجیل رسمی و غیر رسمی. امروزه در کلیسا، انجیل به چهار

---

1. Evangelion

کتاب تألیفی متی، مرقس، لوقا و یوحنا اطلاق می‌گردد که در بین اناجیل، سه انجیل متی، مرقس و لوقا از نظر محتوا و طرز بیان، ارتباط نزدیک‌تری دارند و به همین دلیل این سه انجیل را «همنوا»، «همخوان» و «متشابه» خوانده‌اند که اصطلاح یونانی آن «سیناپتانومه»<sup>۱</sup> است.

انجیل یوحنا به جهت محتوای خاص خود با این سه دسته فرق دارد و مطلب اساسی در این انجیل، حول موضوع الوهیت مسیح است که به‌صراحت به آن پرداخته شده است؛ درحالی‌که در اناجیل دیگر، چنین صراحتی به چشم نمی‌خورد. مسیحیان معتقدند اناجیل دیگری وجود داشته که قانونی<sup>۲</sup> نیستند که آنها را «اپوکریفا»<sup>۳</sup> می‌نامند. برخی از دانشمندان از یکصد و شصت انجیل نام برده‌اند که از جمله آنها انجیل برنابا، پولس و پطرس است.

### تطبیق انجیل یوحنا و اناجیل همخوان

از تطبیق اناجیل همخوان و انجیل یوحنا درباره نبوت، نکات مورد اتفاق و اختلاف زیر به‌دست می‌آید:

#### الف) موضوعات مشترک

۱. در اناجیل همخوان، ابتدا مسیح جانشین یحیی، تعمیم‌دهنده او، معرفی می‌شود که بعداً عیسی خود را به شکل خاصی پسر خدا معرفی می‌کند: «ندایی از آسمان در رسید و گفت: تو فرزند عزیز من هستی که از تو بسیار خشنودم.» (مرقس، ۱۱: ۱) اما در انجیل یوحنا به‌صراحت برای مسیح مقام الوهیت مطرح شده است: «در ازل پیش از آنکه چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت و نزد خدا بود. او همواره زنده بود و خود او خداست.» (یوحنا، ۵ - ۱: ۱)

1. Cinapetanome
2. Canconical
3. Apocrypha

در تفسیر انجیل یوحنا درباره «کلمه» آمده است:

از آغاز «کلمه» با انسان تکلم کرد و خدا را به انسان کشف و ظاهر ساخت و به او تعلیم داد که اراده مقدس خدا را بدانند و امروز کلمه با ما تکلم می‌کند. به ما چه می‌گوید؟ چنین می‌گوید: بازایستید و بدانید که من خدا هستم.

یوحنا می‌گوید: «کلمه» در ابتدا نزد خدا بود. برای اینکه بتوانیم عیسی مسیح را هنگامی که در جسم مجسم شد و بر روی زمین آمد، بشناسیم، باید بدانیم مقام وی پیش از آمدن به زمین در آسمان چه بوده است. پیش از آنکه چیزی آفریده شود و هنگامی که تنها خدای جاودانی وجود داشت، کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود و در ابتدا هنگامی که همه چیز به اراده خداوند از هیچ به وجود آمد، کلمه عامل مؤثر آفرینش جهان بود. (میلر، ۱۳۷۳: ۴ - ۱)

این مقام الوهیت در جاهای دیگر این انجیل به خوبی مشخص است: «من و پدر یکی هستیم.» (یوحنا، ۱۰: ۳)

۲. یکی دیگر از نکات مشترک این اناجیل، نحوه تفسیر مسیح از معجزات خویش است. او هرگاه می‌خواهد معجزه‌ای نشان دهد، آن را به فرمان خویش انجام می‌دهد، نه به اذن و امر الاهی. (یوحنا، ۸: ۵)

۳. مخالفت و برخورد سران یهود با ادعای مقام الوهیت مسیح و یا فرزند خدا بودن مسیح. (یوحنا، ۱۸: ۵؛ ۶۶: ۷؛ ۱۴ - ۱۲: ۱۸؛ لوقا، ۱۱: ۶؛ ۲۸ و ۲۹: ۴؛ متی، ۳: ۹؛ ۲۳: ۲۷)

۴. کیفیت خیانت یهودا و دستگیری مسیح به دست مأموران و کاهنان که در نهایت، مسیح به صلیب کشیده می‌شود و روز سوم پس از زنده شدن از قبر بیرون می‌آید و خود را بر حواریون آشکار می‌کند. (متی: ۱۰ - ۱: ۲۸؛ ۲۵ - ۲۲: ۲۷؛ یوحنا، ۲۷: ۱۹؛ ۱۴ - ۱: ۲۰)

### ب) موضوعات مورد اختلاف

۱. کیفیت تولد مسیح در انجیل یوحنا نیامده است؛ درحالی که در اناجیل همخوان به تفصیل از کیفیت باردار شدن مریم و مراحل تولد و نحوه خبردار شدن مجوس از وجود مسیح تا مراحل رشد و نموش خبر داده شده است.

۲. در انجیل لوقا به تفصیل کیفیت بشارت تولد یحیی بیان شده است؛ درحالی که در انجیل یوحنا از ابتدای زندگی یحیی سخنی به میان نمی آید و فقط از دوران تبلیغ او سخن گفته می شود.

۳. در اناجیل همخوان به طور مفصل از پیشگویی های مسیح از آخرالزمان بحث شده است؛ (متی، ۵۱ - ۱: ۲۴) اما در انجیل یوحنا از این علایم به این شکل، یاد نشده است.

۴. در انجیل یوحنا از بشارت آمدن روح القدس فراوان صحبت شده است؛ (ر. ک: یوحنا، ۲۰ - ۱: ۱۶) ولی در اناجیل همخوان اشاره ای به آن نشده است.

نکته مهم، ظهور فارقلیط<sup>۱</sup> دیگری پس از مسیح است که از آن تعبیر به روح القدس شده است. البته عده ای معتقدند منظور از فارقلیط بشارت ظهور پیامبر دیگری پس از مسیح است و با دلایل چندی به اثبات این مدعا پرداخته اند که در اینجا به بعضی از آن دلایل اشاره می شود. در انجیل یوحنا (۱۷ - ۱۵: ۱۴) مسیح وعده «تسلی دهنده دیگر» را داده و شرط دریافت را «اطاعت» قید کرده است و می فرماید: «اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگه دارید.» واژه یونانی که آن را «تسلی دهنده» ترجمه کرده اند، «پارکلتیس»<sup>۲</sup> است که در قدیم آن را برای وکیل به کار می بردند. لذا وقتی عیسی به شاگردان خود وعده یاری کننده دیگری مانند خود را می دهد، می خواهد بگوید او کسی مانند خود اوست و چیزی نیست که در جسم ظاهر گردد؛ بلکه عبارت بود از روح القدس (یوحنا، ۲۶: ۱۴)

---

1. Paraclet

2. Parakletis

که «روح راستی» نیز نامیده شده است. در این صورت، جانشین عیسی باید مثل خود وی، شاگردان را تسلی و تقویت بخشیده، آنها را رهبری و تعلیم دهد. (تنی، ۱۳۶۲: ۷ - ۱) دکتر بوکای درباره فارقلیط می‌گوید: این واژه از کلمه یونانی «پارکلتوس»<sup>۱</sup> که در زبان فرانسه «پارکلت»<sup>۲</sup> معرفی شده، گرفته می‌شود. عبارت آن بر حسب ترجمه جهانی کتاب مقدس عهد جدید چنین است: «اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگه دارید و من از پدر سؤال می‌کنم. فارقلیط دیگری به شما عطا خواهد کرد.» (یوحنا، ۱۵ و ۱۶: ۱۴) در متنی که امروزه در انجیل یوحنا در دست داریم، چنین ترجمه شده است:

روح‌القدس که پدر، او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم، به یاد شما خواهد آورد. (یوحنا، ۶ - ۲: ۱۴)  
او بر من شهادت خواهد داد. (یوحنا، ۲۶: ۱۴)

در متن فرانسوی، کلمه یونانی «پارکلت» را روح‌القدس ترجمه کرده‌اند و این کلمه در لغت‌نامه کوچک عهد جدید تالیف آ. تریکو بدین صورت شرح داده شده است: «این نام یا عنوان که از یونانی به فرانسوی استنساخ شده، فقط توسط یوحنا در انجیل به‌کار رفته است.» در انجیل یوحنا کلمه «پارکلت» با روح‌القدس در رساله‌اش با خود مسیح منطبق می‌شود. پارکلت اصطلاحی بود که معمولاً یهودیان یونانی‌دان قرن اول میلادی به معنای «شفیع مدافع» به کار می‌بردند. بنابراین شرح مذکور از روح‌القدس را حواریان پس از مسیح طرح کرده‌اند و به نظر می‌رسد این امر با یوحنا تطبیق ندارد. باید توجه داشت که یوحنا انجیل خود را به یونانی نوشته و با مراجعه به دستنویس‌های معروف انجیل یوحنا، نسخه‌بدلی که مضمون به تحریف معنای جمله باشد،

---

1. Parakletos  
2. Paraklet

وجود ندارد، مگر عبارت «۱۴ و ۲۶» که ذکری از روح القدس نشده؛ بلکه فقط «روح» ذکر شده است. آیا این امر فقط ناشی از فراموشی کاتب است یا اینکه برای استتساخ در مقابل متنی قرار گرفته که مدعی شنواندن و گویا کردن «روح مقدس» بوده و جرأت نکرده است چیزی را بنویسد که به نظرش نامعقول بوده است؟

در انجیل یوحنا، فعل «لال» به کار برده شده که ترجمه فرانسوی آن «پارال» به معنای عام «صادر کردن اصوات» و معنای خاص «سخن گفتن» است. این فعل، اغلب اوقات در متن انجیل‌ها برای نشان دادن اعلام شکوهمند عیسی در حین موعظه می‌آید. به نظر می‌رسد کاربرد این فعل درباره انسان‌هاست و به هیچ‌وجه شامل الهامی نیست که به فعالیت «روح القدس» وابسته باشد. بنابراین امثال این افعال که در انجیل یوحنا به کار رفته است، منحصرأ به موجودی که دارای عضو شنوایی و گویایی باشد، مربوط می‌شود و کاربرد آن برای «روح القدس» صحیح نمی‌باشد. اگر کلمات «روح القدس» را از عبارتهای انجیل فعلی یوحنا حذف کنیم، تمام متن یوحنا معنای بسیار روشنی پیدا خواهد کرد که این امر به وسیله متن رساله اول یوحنا که در آنجا کلمه فارقلیط را به کار برده، بیان شده است؛ آنجا که می‌گوید: «من از پدرم استدعا خواهم کرد که او، فارقلیط دیگری برای شما خواهد فرستاد...» (۱۶: ۱۴) به روشنی مشخص می‌شود که او می‌خواهد بگوید شفیع دیگری برای انسان‌ها خواهد فرستاد؛ همچنان که خودش شفیع آنان بوده است. بنابراین آنچه می‌توان از کلمه «فارقلیط» نتیجه‌گیری کرد، بشارت ظهور پیامبری دیگر پس از مسیح است. (بوکای، ۱۳۶۵: ۱۵۵ - ۱۴۹)

استاد جعفر سبحانی در کتاب *احمد موعود انجیل* علاوه بر ذکر دلایل دکتر بوکای،

دلایل دیگری ذکر می‌کند، از جمله:

- کاربرد کلمه فارقلیط به معنای پیامبر موعود در میان علما و مفسران انجیل و



سوءاستفاده گروهی مثل «منتس» به عنوان فارقلیط یا پیامبر جدید؛

– اعتراف سران سیاسی و روحانی جهان مسیحیت، مثل زمامدار حبشه که پس از خواندن نامه پیامبر ﷺ گفت: «من گواهی می‌دهم که او همان پیامبری است که اهل کتاب در انتظار او هستند.»

– ذکر عبارت «احتمال قوی می‌رود عیسویان عربستان، آن لفظ (= احمد) را برای تعیین فارقلیط به کار می‌بردند» (سبحانی، ۱۳۵۷: به نقل از دائرة المعارف بزرگ فرانسه، ۴۱۷۴ / ۲۳)

۵. یکی دیگر از موارد اختلاف اناجیل همخوان با انجیل یوحنا درباره صعود عیسی به آسمان است (مرقس، ۱۹: ۱۶) که در انجیل یوحنا به آن اشاره‌ای نشده است.  
۶. فدییه یا بره بودن عیسی، یکی دیگر از موارد اختلاف اناجیل می‌باشد. در اناجیل یوحنا، عیسی وسیله‌ای برای آموزش بندگی معرفی شده است، (یوحنا: ۲۹: ۱) درحالی‌که در اناجیل همخوان چنین چیزی دیده نمی‌شود.

### تطبیق انجیل برنابا با اناجیل چهارگانه

با بررسی انجیل برنابا و اناجیل چهارگانه درباره نبوت، موارد اختلاف و اشتراک زیر به دست می‌آید:

#### الف) موضوعات مورد اختلاف

۱. در انجیل برنابا علاوه بر این اشاره که مسیح، نبی و پیامبر خداست، شاهد اظهار بندگی مسیح در آیات متعدد هستیم. (برنابا، ۱۰: ۶؛ ۷: ۹۶؛ ۳: ۱۳؛ ۷: ۱۳) همچنین برخورد شدید مسیح با کسانی که برای او ادعای الوهیت می‌کنند. (۲: ۵۳؛ ۵ و ۶: ۷۰؛ ۱۰: ۴۵) این در حالی است که اناجیل چهارگانه، مقامی غیر از بندگی، یعنی الوهیت برای او

در نظر گرفته‌اند.

۲. در انجیل برنابا، مسیح علت زنده ماندن خود را تا نزدیک قیامت، مجازاتی می‌داند که خدا برای او در نظر گرفته است؛ برخی افراد نادان، او را پسر خدا یا خدا تصور می‌کردند. (۲۹: ۱۱) در صورتی که این مسأله در انجیل چهارگانه نیامده است.
۳. در انجیل برنابا، مسیح معجزات خویش را به اذن الهی انجام می‌دهد، (۸: ۱۱) درحالی که در انجیل چهارگانه، آنها به فرمان خود مسیح انجام می‌شوند.
۴. در انجیل برنابا، به مسأله تحریف تورات و انجیل اشاره شده است؛ (۱۰ - ۸: ۱۲۴؛ ۵ - ۲: ۴۴) درحالی که این موضوع در انجیل چهارگانه نه تنها ذکر نشده، سیر حرکت مسیح موافق با شریعت یهود است.
۵. نکته دیگر، بیان خیانت یهودا به مسیح است؛ درحالی که در انجیل چهارگانه اظهار می‌شود مسیح به صلیب کشیده شد و بعد زنده شد و به آسمان صعود کرد.
۶. در انجیل برنابا، درباره نبوت دیگر انبیای الهی سخن به میان آمده است که بعضی مبسوط و بعضی دیگر به صورت اشاره بیان شده است؛ ولی در انجیل چهارگانه صرفاً از یحیی سخن گفته شده است.
۷. انجیل برنابا، داور و شفیع روز قیامت را رسول‌الله ﷺ معرفی کرده است؛ ولی در انجیل چهارگانه، مسیح داور روز قیامت است. (متی، ۳۴ - ۳۱: ۲۵)
۸. حقیقت دیگری که در انجیل برنابا به آن اشاره شده، این است که رسول‌الله ﷺ از نسل ذبیح‌الله است. (۷ و ۸: ۲۰۸؛ ۱۱ - ۸: ۴۴) درحالی که در انجیل چهارگانه، ذکرری از آن به میان نیامده است.

#### ب) موضوعات مشترک

۱. بشارت ظهور فارقلیط.

۲. هم در اناجیل چهارگانه (۱۷: ۵) و هم در انجیل برنابا (۵: ۲۰۶) مسیح تورات را تصدیق کرده است.

۳. کیفیت بشارت تولد مسیح به مریم و نحوه بارداری مریم از طریق روح القدس، موضوع مشترک همه اناجیل است.

## ارزیابی اناجیل چهارگانه با قرآن

### الف) موضوعات مورد اختلاف

۱. همان‌گونه که قبلاً متذکر شدیم، تصویری که در اناجیل چهارگانه از مسیح به چشم می‌خورد، تصویر الوهیت مسیح است و فقط در دو یا سه مورد به پیامبری او اشاره شده است؛ در بقیه موارد، مسیح را فرزند خدا و خدا معرفی می‌کنند؛ (مرقس، ۱: ۱) اما تصویری که قرآن از مسیح نشان می‌دهد، یک پیامبر مطیع، خاضع و عابد است. (آل عمران / ۴۹؛ مریم / ۳۰)

در بررسی‌ها به دسته‌ای از آرای ناقدان می‌رسیم که برای شناختن شخصیت واقعی مسیح به سراغ منابع و مکتوبات غیرمسیحی رفته‌اند؛ از جمله در کتاب *عقل و اعتقاد دینی* آمده که کارل بارث (۱۹۶۸ - ۱۸۸۶) معتقد است تنها یک تجلی وجود دارد و آن همانا تجلی میثاقی و تجلی اراده اصیل خداوند می‌باشد. روشن است که بشر نمی‌تواند بدون مسیح و مستقل از او به این تجلی نایل شود و بارث قبول دارد که مسیحیت فی‌ذاته دین بر حقی نیست؛ اما وجود منحصر به فرد عیسی موجب شده است مسیحیت، محمل دین حقی باشد؛ به نحوی که خداوند در ضمن حدوث عیسی، حقیقت را متجلی ساخته است. به عبارتی، وی معتقد است عیسی تجلی حقیقت است، نه تجلی ذات اقدس الاهی.

۲. آنچه از بررسی اناجیل به دست می‌آید، آن است که این اناجیل بر سه مسأله تأکید دارند: پدر آسمانی بودن خداوند، مسیح به عنوان فرزند خدا بودن و دیگر روح القدس

(اقانیم سه گانه). (متی، ۱۹: ۲۸) خداوند در قرآن، این عقاید را باطل اعلام می کند. (توبه/ ۳۰؛ انبیاء/ ۲۶؛ مائده/ ۷۲ و ۷۳؛ نساء/ ۱۷۱)

هوردرن می گوید: نگاه نقادانه به صدر مسیحیت باعث شد تا در قرن نوزدهم، دهها شرح حال برای عیسی نوشته شود و در آنها چهره واقعی عیسی، عرفی و غیرمقدس و به دور از معجزات و تعالیم لاهوتی و کاملاً متفاوت با فرزند خدا - آن چنان که در اناجیل آمده است - ترسیم شود. عیسی در عهد جدید با القاب و اوصاف مختلفی همچون «خداوند»، «یگانه فرزند خدا» و «پسر خدا» معرفی شده است. (یوحنا، ۳ - ۱: ۱؛ متی، ۳۳: ۱۴؛ مرقس، ۱: ۱؛ لوقا، ۳: ۲۲؛ یوحنا، ۳: ۱۰؛ ۳: ۱۰) بدیهی است که بسیاری از این تعبیر و عناوین، مفهومی نمادین و رمزی دارند و هنگام استعمال، بیش از معنای ظاهری، معنای معنوی آن منظور بوده است.

رابرت هیوم با احصای عناوین غیر لاهوتی عیسی، همچون «فرزند انسان» و «فرستاده خدا» در کتاب مقدس سعی دارد این شبهه را که عیسی خود را خدا دانسته است، رفع کند. وی اقرار می کند که از هر چهار انجیل، چنین استنباط می شود که تأثیری که عیسی بر روی مشاهده کنندگان خویش می گذاشت، این بود که او «پسر خدا» است. وی همچنین تلاش می کند با ذکر خصوصیات انسانی ذکر شده درباره عیسی در اناجیل، جنبه بشری وی را تقویت کند و در برابر همان ابهام و شاید ابهامی که در ذات این موضوع نهفته است، متوقف مانده، چنین اعتراف می کند که از یک طرف، عیسی به نحو اصیل و قابل تحسینی یک فرد انسانی است و از طرف دیگر، او اصالتاً الهی است. او ترکیب روشنی از فرزند بشر و همچنین فرزند ازلی خداوند است. بالأخره راه برون شد از این پارادوکس را در این می بیند که بگوید «او برادر بزرگتر همه انسان هاست.» (۱۳۶۹: ۳۶۵ - ۳۳۵)

جان هیک با تفسیری نو و امروزی از عقیده راست کیشی کهن درباره وجود دوطبیعتی عیسی، آن را یک اعتقاد اسطوره‌ای و رازآلود می داند و معتقد است باید تعبیری

چون «پسر خدا»، «خدای پسر» و «خدای مجسد» را نه در معنای تحت‌اللفظی، که در معانی شاعرانه و غیر حقیقی آن فهمید و تفسیر کرد. (۱۳۷۹: ۱۹۰ - ۱۸۳)

۳. یکی دیگر از موارد اشتباه که در بعضی اناجیل دیده می‌شود، مسأله فدیّه یا بره‌بودن مسیح است که در انجیل یوحنا (۱: ۲۹) به این نکته اشاره شده؛ اما قرآن این تعبیرات را نمی‌پذیرد و آن را نفی می‌کند: (حدید/ ۱۵؛ مائده/ ۱۱۸؛ بقره/ ۴۸) باید متذکر شد که قرآن به‌جای مسأله «فداء» که مورد توجه مسیحیان است، «شفاعت» را برای حضرت عیسی طرح می‌کند. (زخرف/ ۸۶)

۴. از بررسی اناجیل و قرآن به یک عبارت مشترک از جهت ظاهر برخورد می‌کنیم و آن «کلمه» است؛ اما مفهوم آن در هر یک کاملاً با دیگری متفاوت است. در انجیل یوحنا (۴ - ۱: ۱) تصویری که از «کلمه» ارائه شده، مقام خدایی و الوهیت است؛ در حالی که در قرآن با توجه به بعضی از آیات (آل عمران/ ۴۵؛ نساء/ ۱۷۱) معنای دیگری مقصود است که اکنون به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

- بنا بر نظر علامه طباطبایی، مراد خود عیسی است؛ چون وی کلمه ایجاد و مصداق کلمه «کن» است. (۱۳۶۲: ۱۹۳)

- مرحوم طبرسی معتقد است «کلمه» به معنای بشارت است؛ مثل اینکه به فرزندى به نام مسیح بشارت داده می‌شود. (۱۳۵۴: ۲۹۳)

- در تفسیر نمونه آمده که ممکن است «کلمه» در اصطلاح قرآن در معنای مخلوق استفاده شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۱۴)

- زمخشری نیز آن را به معنای بشارت گرفته است: «بشارت می‌دهد تو را به این صفات که در دنیا مقام نبوت است و در آخرت دارای شفاعت و در جای عالی در بهشت است. (۱۳۶۶: ۳۶۴)

- فخر رازی نیز می‌گوید: «در این جهت کلمه است که بدون واسطه پدر و نطفه، او به وجود آمده است.» (۱۴۲۰: ۷/ ۴۵)

فروم می‌گوید: براساس اعتقادی که «متشرعین» آباء کلیسا ترویج می‌کردند، نازل‌ترین مقام عیسی از خداوند، نه به جهت تفاوت گوهر، که به دلیل منشأ او بود؛ چراکه مسیح نسبت به خداوند، مخلوق به شمار می‌آمد. (۱۳۷۸: ۷۹ - ۷۰) وی همچنین در کتاب *روانکاو* و *دین برحسب مناسبات میان انسان و خدا*، ادیان را به دو دسته «انسانی» و «خودکامه» تقسیم کرده، معتقد است: دین مسیح، دینی انسانی بود و پس از آنکه از مذهب فرودستان به مذهب هیأت حاکمه امپراتوری تبدیل شد، روح خودکامگی در آن رشد کرد. (۱۳۶۳: ۶۳ - ۴۸)

۵. یکی دیگر از موارد اختلاف اناجیل چهارگانه با قرآن در نحوه انجام معجزات است. در اناجیل، مسیح معجزات را از ناحیه خود انجام می‌داد؛ درحالی‌که قرآن اجرای تمام معجزات را با نام پروردگار می‌داند. علاوه بر آن، در قرآن از معجزاتی مثل ساختن مجسمه پرنده و دمیدن در او (آل عمران / ۴۹) یا سخن گفتن مسیح در نوزادی (مریم / ۲۶ - ۲۴؛ مریم / ۳۳ - ۳۰) سخن به میان آمده که در اناجیل چهارگانه چنین نیست.

۶. در اناجیل چهارگانه آمده است که یهودا به مسیح خیانت می‌کند و مسیح به صلیب کشیده می‌شود و بعد از سه روز زنده شده، به آسمان صعود می‌کند؛ (یوحنا، ۵ - ۲؛ ۱۷؛ متی، ۲۳ - ۱۴: ۲۶) درحالی‌که قرآن این داستان را نفی می‌کند (نساء / ۱۵۷) و می‌گوید مسیح به صلیب کشیده نشد؛ بلکه او شبیه به مسیح بود و مسیح به آسمان برده شد. (آل عمران / ۵۵)

۷. کیفیت به دنیا آمدن مسیح، یکی دیگر از موارد اختلاف است. در اناجیل چهارگانه آمده است که مریم، مسیح را در بیت‌الرحم به دنیا آورد و در آخوری خوابانید. (لوقا، ۲۰ -

۶: ۲) درحالی که در قرآن (مریم / ۲۱ - ۱۶؛ آل عمران / ۴۷ - ۴۴) آمده که مریم در موقع وضع حمل از اهل خود کناره گرفت و با ناراحتی و خجالت به شکل خاصی مسیح را به دنیا آورد. همچنین از ارتباط مریم و مسیح و نحوه مراجعه مریم به شهر و ارتباط با نزدیکانش سخن رفته است.

۸. در اناجیل چهارگانه به جز یحیی، ذکری از انبیا به میان نیامده است؛ درحالی که در قرآن از ۲۶ نبی سخن گفته شده و در مورد اکثر آنها به تفصیل سخن رفته است.

#### ب) موضوعات مشترک

۱. از نکات مشترک بین قرآن و اناجیل، انتخاب حواریان است که در قرآن در چند مورد (آل عمران / ۵۲ و ۵۳) به آن اشاره شده و در اناجیل نیز به تفصیل بیان شده است.  
۲. بشارت ظهور پیامبر دیگری بعد از مسیح، نکته مشترک دیگری در اشتراک اناجیل و قرآن است. در انجیل یوحنا (۲۰ - ۱: ۱۶) از او به تسلی بخش یا روح القدس نام برده شده و در قرآن (صف / ۶) نیز از بشارت ظهور پیامبر اسلام بعد از مسیح سخن به میان آمده است.  
۳. اینکه روح القدس مسیح را تأیید کرد، هم در اناجیل (لوقا، ۱۳: ۱۱) و هم در قرآن (بقره / ۸۷ و ۱۵۳) آمده است.

۴. بازگشت عیسی و نشانه‌های قیامت در اناجیل (متی، ۶ و ۷: ۲۴؛ ۲۹ و ۳۰: ۲۴) و قرآن (زخرف / ۶۱) آمده است. برخی آمدن عیسی را یکی از نشانه‌های غیر قابل شک برای قیامت می‌دانند.

۵. مسیح خود را مصدق و مکمل تورات معرفی می‌کند (متی، ۱۷ و ۱۸: ۵؛ ۵۲: ۱۳) و قرآن نیز آن را تأیید می‌کند. (مائده / ۴۶)

یاسپرس در کتاب مسیح می‌نویسد:

عیسی هیچ آیین پرستش جدیدی بنیاد نهاد؛ نه سازمانی را پایه گذاشت، نه امتی و نه کلیسایی. او در جامعه یهود با یهودیت انبازی کرد و هرگز به دلش راه نیافت که از ایمان یهودی بگسلد. عیسی هیچ‌گاه شریعتی همچون شریعت موسی - که بر هر جزئی از حیات فردی و اجتماعی مؤمنان تکلیفی معین می‌کرد - با خود نیاورد و به جز پرستش خدای یگانه، توبه از گناهان، رعایت تقوا و بذل محبت و دستگیری از ضعیفان هیچ حکمی صادر نکرد و هیچ امارتی بر پا ننمود و با هیچ حاکمی نیامیخت و به هیچ قدرتی درنیامیخت و جز برپایی «ملکوت آسمان» هیچ وعده دیگری برای نجات در زمین به پیروان خویش نداد. (۱۳۷۳: ۴۵ - ۲۶)

۶. حضرت یحیی نبوت مسیح را تصدیق کرد. (آل عمران/۳۹؛ لوقا، ۱۷: ۱؛ ۱۶: ۳)

### ارزیابی انجیل برنابا با قرآن

#### الف) موضوعات مشترک

۱. نبوت مسیح از مشترکات بین انجیل برنابا و قرآن است. در انجیل برنابا به صراحت بیان می‌شود که مسیح پیغمبر خداست (۱۰: ۶؛ ۱۹: ۴۵؛ ۷: ۹۶) و قرآن نیز مسیح را رسول و نبی خدا معرفی می‌کند. (مریم/ ۳۰؛ آل عمران/ ۴۹ و ۳۳)
۲. انجیل برنابا و قرآن، هر دو تصریح روشنی به بندگی مسیح در مقابل خداوند دارند. در انجیل برنابا (۱: ۲۱۴؛ ۳: ۱۳) مسیح به بندگی خدا اعتراف می‌کند و در قرآن (نساء/ ۱۷۲؛ مریم/ ۳۰) علاوه بر اظهار بندگی، خداوند از مسیح می‌پرسد: «آیا تو گفتی تو و مادرت را به خدایی بگیرند» و مسیح آنچه را درباره او گفته‌اند، نفی می‌کند. (مائده/ ۱۱۷)
۳. هم قرآن (مائده/ ۱۷؛ مائده/ ۷۳؛ توبه/ ۳۰ و ۳۷) و هم خود مسیح در انجیل برنابا (۲: ۵۳؛ ۵ و ۶: ۷۰) از نسبت نادرست خدایی یا فرزند خدایی خود اظهار تنفر و به



همه اعلام می‌کند که این‌گونه نیست.

۴. یکی دیگر از موارد مشترک قرآن و انجیل برنابا نحوه انجام معجزه است. در هر دو، مسیح اعجاز خود را به اذن پروردگار انجام می‌دهد. (آل عمران / ۴۹؛ برنابا، ۸: ۱۱؛ ۱۷: ۴۵) ۵. هر دو در کیفیت بشارت تولد مسیح مشترک هستند که موارد آن قبلاً ذکر شد. ۶. هر دو صعود مسیح به آسمان و مصلوب شدن یهودا به جای او را ذکر می‌کنند که پیش‌تر اشاره شد.

۷. حضرت عیسی مصدق و مکمل کتاب تورات است. (آل عمران / ۴۸ و ۵۰؛ مائده / ۴۶؛ برنابا، ۵: ۲۰۶)

۸. عیسی ﷺ به ظهور پیامبر اسلام ﷺ بشارت می‌دهد (برنابا، ۲۱: ۱۷؛ ۷: ۳۵؛ ۳۳ و ۳۴: ۱۴۱؛ ۱۶: ۴۲؛ ۱۸ - ۱۶: ۹۷؛ ۵ و ۶: ۹۷) و با تکریم و احترام خاصی از او یاد می‌کند.

۹. پیامبر اسلام ﷺ از نسل ذبیح‌الله است که در تورات، اسحاق دانسته شده و در قرآن، اسماعیل. (صافات / ۱۱۳ - ۹۹) در انجیل برنابا هم آمده: «خدای ما با ابراهیم به سخن درآمد، فرمود بگیر اول زاده خود را بر کوه برشو، تا پیش کنی او را به قربانی. پس چگونه اسحاق اول زاده می‌شود، درحالی که چون (اسحاق) تولد شد، اسماعیل هفت ساله بود.» (۱۰ و ۱۱: ۴۴) نیز در جای دیگری می‌گوید: «راست می‌گویم که پسر ابراهیم همان اسماعیل بود که واجب است از نسل او مسیحا بیاید که ابراهیم به او وعده داده بود که همه قبایل زمین به او برکت یابند.» (۷: ۲۰۸)

۱۰. تورات و انجیل تحریف شده‌اند. در انجیل برنابا (۱۰ - ۸: ۱۲۴) آمده است که: «هر دو کتاب تحریف شده‌اند و می‌شوند و توسط رسول‌الله مورد تطهیر قرار می‌گیرند.» قرآن نیز به آن مسأله اشاره کرده است. (مائده / ۴۱)

۱۱. نکته مشترک دیگر، شفاعت رسول الله ﷺ در روز جزاست. (اسراء/ ۷۹؛ برنابا،

۱۳۷ - ۱: ۷)

#### ب) موضوعات مورد اختلاف

۱. در انجیل برنابا آمده است: پس از آنکه خداوند مسیح را به آسمان بالا برد، بعد از سه روز به دلیل بی‌تابی مادرش مریم مجدداً بازگشت و به طور مشروح به حوادثی که در طول این سه روز اتفاق افتاده بود، اشاره کرد. (۲۱ - ۱: ۲۲؛ ۱۷ - ۵: ۲۱۹؛ ۹ - ۳: ۲۱۸؛ ۲۴ - ۸: ۲۲۱) ولی قرآن به هیچ‌یک از این مطالب اشاره نمی‌کند.

۲. در قرآن از زنده ماندن مسیح تا نزدیک قیامت سخنی به میان نیامده است؛ درحالی‌که طبق انجیل برنابا، مسیح می‌گوید: «چون مردم مرا فرزند خدا و یا خدا خواندند، خداوند مرا مجازات و مورد عقوبت قرار داده و تا لحظه نزدیک قیامت مرا زنده نزد خودش نگه‌داشته است». (۱۱ - ۹: ۱۲)

۳. یکی از موارد اختلاف قرآن و انجیل برنابا شرح حال انبیای دیگر است که در این انجیل از احوال انبیا به جز آدم، ابراهیم و موسی، ذکری به میان نیامده است؛ درحالی‌که در قرآن علاوه بر انبیای ذکرشده به موارد دیگری که مجموعاً ۲۶ نبی می‌شوند، اشاره شده است.

#### نتیجه‌گیری

حاصل اساسی این تحقیق و بررسی در اناجیل چهارگانه، انجیل برنابا و قرآن در موضوع نبوت، عدم مطابقت اناجیل چهارگانه با قرآن و همگرایی قرآن و انجیل برنابا در بسیاری از امور است. نکته حائز اهمیت دیگر، این است که گفته شده خاتم‌الانبیا از نسل ذبیح‌الله است. قرآن و انجیل برنابا ذبیح‌الله واقعی را حضرت اسماعیل معرفی می‌کنند؛ درحالی‌که

در اناجیل چهارگانه سعی در جلوه‌دادن اسحاق به عنوان ذبیح‌الله دارند تا نبوت پیامبر اسلام ﷺ را نفی کنند و خود را منتظر پیامبر آخرالزمان نشان دهند؛ ولی با ظهور انجیل برنابا و تأیید آیات قرآنی، پرده از روی این حقیقت برداشته شد.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آریا، غلامعلی، ۱۳۷۷، *آشنایی با تاریخ ادیان*، تهران، پایا.
۳. آشتیانی، سیدجلال‌الدین، ۱۳۶۸ الف، *تحقیقی در دین مسیح*، تهران، نگارش.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۸ ب، *تحقیقی در دین یهود*، تهران، نگارش.
۵. آل اسحاق، اسماعیل، ۱۳۵۷، *بررسی مذاهب و ادیان*، قم، حوزه علمیه قم.
۶. اعلم، امیرجلال‌الدین، ۱۳۶۷، *فرهنگ اعلام کتاب مقدس*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۷. *انجیل برنابا*، ۱۳۴۵، ترجمه حیدر قلیخان قزلباش (سردار کابلی)، تهران، چاپخانه حیدری.
۸. بوکای، موریس، ۱۳۶۵، *مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم*، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. پترسون و دیگران، مایکل، ۱۳۷۷، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح‌نو.
۱۰. تنی، مریل‌سی، ۱۳۶۲، *معرفی عهد جدید*، ترجمه طاطه‌ووس میکائیلیان، قم، حیات ابدی.
۱۱. توفیقی، حسین، ۱۳۶۱، *سیر تاریخی انجیل برنابا*، قم، در راه حق.
۱۲. الحکایک، میثال، ۱۹۶۱، *المسیح فی الاسلام*، بیروت، المطبعة الكاثولیکیه.

- ۱۶۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال پنجم، شماره نوزدهم، زمستان ۸۸
۱۳. حکمت، علی اصغر، ۱۳۴۵، *تاریخ ادیان*، تهران، ابن سینا.
  ۱۴. الدار، جان، ۱۳۶۱، *آیه یاب کتاب مقدس*، تهران، آفتاب شرق.
  ۱۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۸، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
  ۱۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
  ۱۷. راشد محصل، محمدتقی، ۱۳۶۹، *نجات بخشی در ادیان*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
  ۱۸. رضی، هاشم، ۱۳۴۴، *ادیان بزرگ جهان*، تهران، آسیا.
  ۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۳۶۶، *الکشاف*، بیروت، دارالکتاب العربی.
  ۲۰. سبحانی، جعفر، ۱۳۵۷، *احمد موعود انجیل*، تهران، بعثت.
  ۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۲، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، الشمس.
  ۲۲. طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن، ۱۴۱۴، *مجمع البیان*، بیروت، دار الفکر.
  ۲۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۴، *مجمع البیان*، ترجمه احمد بهشتی، تهران، فراهانی.
  ۲۴. عبدالباقی، محمدفؤاد، ۱۳۷۴، *المعجم المفهرس*، تهران، اسلامی.
  ۲۵. فروم، اریک، ۱۳۶۳، *روانکاوی و دین*، ترجمه آرسن نظریان، تهران، پویش.
  ۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، *جزم اندیشی مسیحی*، ترجمه منصور گودرزی، تهران، مروارید.
  ۲۷. کائوتسکی، کارل، ۱۳۵۸، *بنیادهای مسیحیت*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، کتاب های جیبی.
  ۲۸. *کتاب مقدس*، ۱۹۹۵، ترجمه تفسیری، انگلستان، انجمن جهانی کتاب مقدس.
  ۲۹. مشکور، محمدجواد، ۱۳۶۲، *خلاصه ادیان در تاریخ دین های بزرگ*، تهران، شرق.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. مولند، این آر، ۱۳۶۸، *جهان مسیحیت*، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجرانی، تهران، امیرکبیر.
۳۲. میلر، و.م، ۱۳۷۳، *کتاب حیات یا تفسیر انجیل یوحنا*، تهران، چاپخانه بروخیم.
۳۳. \_\_\_\_\_، ۱۹۸۱، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، بی جا، حیات ابدی.
۳۴. ناس، جان بی، ۱۳۷۳، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۵. ولف، کری، ۱۳۵۶، *درباره مفهوم انجیل‌ها*، ترجمه محمد قاضی، تهران، فرهنگ.
۳۶. هاکس، جیمز، ۱۹۲۸، *قاموس کتاب مقدس*، بیروت.
۳۷. هوردن، ویلیام، ۱۳۶۸، *راهنمای الهیات پروتستان*، ترجمه طاهره ووس میکائیلیان، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۸. هیک، جان، ۱۳۷۹، «عیسی و ادیان جهانی»، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، *فصلنامه هفت آسمان*، شماره ۶.
۳۹. هیوم، رابرت، ۱۳۶۹، *ادیان زنده جهان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۴۰. یاسپرس، کارل، ۱۳۷۳، *مسیح*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی.
41. American Corporation, 1829, *Encyclopedia American*, New York Chicago, Washington D. C.
42. Cyril, Chairman, Grolier O. Houle, 1960, *Encyclopedia International*, Incorporated, New York, Arius.